



ترجمه نسخ خطی، رویکرد روشی جدید در مطالعات تاریخی در شناسایی معابر نفوذ فرهنگ، تمدن و واژگان غربی در ایران مورد پژوهی: نسخه خطی طباخ‌ی جدید

الهام ملک‌زاده^۱

چکیده

مطالعه تاریخ ترجمه در ایران، در زمره پژوهش‌های ارزشمند آگاهی‌بخش رشته‌های مختلف علوم از جمله علوم انسانی و اجتماعی است که از دیرباز در ایران رواج داشته است. در دوره معاصر، در نتیجه شرایط ایران در دوره قاجار، به‌خصوص دوره ناصری، با حمایت ناصرالدین‌شاه، تکاپوهای وسیعی که تحت عنوان نهضت ترجمه از آن یاد می‌شود، در امر ترجمه متون صورت گرفت. با هدف آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب که از طریق ترجمه به‌راحتی قابل دسترس بود. غالباً این‌گونه آثار به زبان فرانسه بودند که توسط افراد باسواد و آشنا به زبان فرانسه، ترجمه شدند. این مقاله با عنایت به موضوع همایش کنونی که روش‌های مختلف پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی را شامل می‌شود، دانش ترجمه و تصحیح نسخ خطی را به‌عنوان یکی از مصادیق روش‌های پژوهش با ظرفیت پژوهش میان‌رشته‌ای، تلاش می‌کند ذیل بازنمایی اهمیت ترجمه و تصحیح نسخ خطی، تحولات تاریخی و اجتماعی متأثر از مضمون نسخه خطی "طباخی جدید" را ارائه نماید. این اثر به دستور مظفرالدین میرزا قاجار و توسط علی‌بخش قاجار، از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده‌است. مطالعه، شناسایی و تحلیل نسخه خطی طباخ‌ی جدید، افزون بر مؤلفه‌های نسخه‌شناسانه، قابلیت ارائه آگاهی‌های گسترده و گوناگونی از نفوذ فرهنگ و رسوم اروپایی به ایران از معبر نسخ و متون آشپزی، همچنین ورود واژگان فرانسوی در زبان فارسی را خواهد داشت.

واژگان کلیدی: ترجمه نسخ خطی، نفوذ فرهنگی، کتاب آشپزی، دوره قاجار، طباخ‌ی جدید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir



مقدمه

در روند شکل‌گیری گفتمان تجدد در ایران ترجمه آثار غربی تأثیر مهمی داشته است. بسیاری از مظاهر تجدد و اندیشه‌های نو از طریق ترجمه‌ها به ایران راه یافت. تأسیس دارالترجمه ناصری و نهادینه شدن امر ترجمه در دوران ناصرالدین شاه در انتقال مفاهیم نو و تنوع حوزه‌های ترجمه نقشی کارساز داشت. موضوع تجدد در این دوره عرصه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی، نظامی، قضائی و حتی حوزه‌های خصوصی زندگی آحاد جامعه ایران را در بر گرفت. یکی از مظاهر تجدد در ایران نفوذ غذاهای فرنگی، آشپزی و آداب غذا خوردن به سبک اروپایی است. عوامل متعددی در رسوخ این آداب به جامعه ایران دخیل بوده است که از آن جمله می‌توان به عوامل ذیل اشارت کرد: نقش اروپاییان مقیم ایران، سفرهای شاهان قاجار و سایر ایرانیان به فرنگ، ارتباط و مراودات خاندان سلطنتی با اروپاییان (معیرالممالک، ۱۳۶۱) و ترجمه آثار اروپایی.

با این توضیح باید اشاره کرد نسخه خطی «طبایح جدید» که ترجمه یک کتاب آشپزی از زبان فرانسه است، مسأله اصلی پژوهش در قالب مورد پژوهی و به‌کارگیری پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در این زمینه است تا ضمن نشان دادن شیوه‌های ورود واژگان، مفاهیم و فرهنگ غربی، در حوزه مطالعات تاریخ ترجمه و کاربری رویکردهای نو در حوزه روش‌های متنوع پژوهش‌های تاریخی، علاوه بر ارائه آگاهی‌های سودمند تاریخی، شناخت دقیق و جزئی‌تری نسبت به ورود این‌گونه مظاهر غربی در جامعه ایران را نشان دهد.

مقاله حاضر فاقد هرگونه پیشینه و ادبیات پژوهشی است و از این رو، هدف از نگارش و ارائه این مقاله با رویکرد کنونی، می‌تواند رهیافت علمی جدیدی در خصوص موضوع مورد بحث باشد.

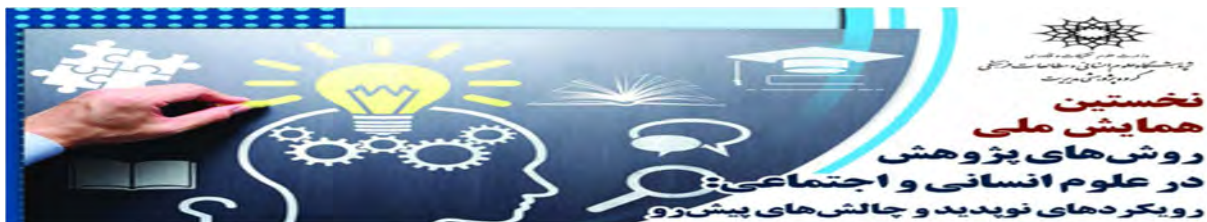
روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، مبتنی بر تحقیقات تاریخی و شیوه‌یابی بر اساس بررسی و تحلیل محتوای نسخه خطی مورد مطالعه است.

یافته‌ها

نگرشی تحلیلی بر ترجمه کتاب طبایح جدید:

از آنجایی که جریان تجدد در دوران قاجار، عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را در بر گرفت، رخنه مفاهیم واژگان نو نیز به‌دلیل در برگرفتن عرصه‌های گوناگون، از تنوع حوزه‌ای برخوردار بود. برای نمونه در نتیجه ترجمه آثار پزشکی آثار تاریخی، سیاسی، فلسفی، هنری و سایر علوم و فنون خیل عظیمی از واژگان حوزه‌های مذکور وارد جامعه ایران عصر قاجاریه شد (Mahdavi, 2005).



ترجمه کتاب «طبایخی جدید» به‌عنوان نسخه‌ای خطی بازمانده از دوره ناصری، و ترجمه آثاری از این دست، نه تنها زمینه رسوخ واژگان آشپزی غربی، بلکه بستر ورود آداب و عادات غربی را نیز فراهم آورد. اعضای خانواده سلطنتی، درباریان و طبقات بالای جامعه به دلیل ارتباط و معاشرت با خارجی‌ان مقیم ایران (اعم از مقامات سیاسی و سیاحان بیگانه و...) با عادات و آداب زندگی فرنگی به‌ویژه سبک خوراک و پوشاک آنان آشنا شدند. این‌گونه عادات به‌تدریج از طبقات بالای جامعه به سایر طبقات انتقال یافت. سفرهای شاهان ایران به فرنگ و شرکت در ضیافت‌های مقامات اروپایی، نقش مهمی در انتقال این عادات داشت. شرح این مهمانی‌ها و غذاها در سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ انعکاس یافته‌است (رضوانی و قاضی‌ها، ۱۳۷۱).

ناصرالدین شاه و هیئت همراه قبل از عزیمت به اروپا، آداب غذا خوردن به سبک اروپایی را تمرین می‌کردند که حدیث مفصلی از این تکاپوها در استفاده درست منطبق با آداب غذا خوردن اروپائیان در سفرنامه‌های خارجی‌ان آمده است. از آن جمله روایت کارلا سرنا را می‌توان مرور کرد که می‌نویسد: «در ایران از شاه گرفته تا وزیران و مردم عادی، عادات دیرینه خود را حفظ کرده و با دست یعنی چنگال بابا آدم غذا می‌خورند. برای ایرانی دست بردن در یک سینی پلو که مهمانان بسیاری دور آن نشسته‌اند

و هر یک به همان شیوه رفع گرسنگی می‌کنند به همان اندازه عادی است، که یک اروپایی با اسباب سفره کامل خود به غذا خوردن می‌پردازد. چون وزیر حسین سپهسالار قزوینی با شیوه به کار بردن قاشق و چنگال و سایر ابزار غذاخوری اروپاییان آشنا بوده، تصمیم گرفت این کار را پیش از عزیمت به شاه تعلیم دهد. بنابراین تصمیم، مهمانی‌هایی ترتیب داده و شخصاً تعلیم شیوه غذاخوری اروپاییان را به‌همراه اعلی‌حضرت بر عهده گرفت. پس از یک هفته که درباریان از رموز غذا خوردن به شیوه اروپایی آگاه شدند، شاهنشاه برای استفاده از این درس از سوراخ کوچکی که در پرده ایجاد کرده بودند، شاگردان وزیر را هنگام تمرین نگاه کرد، زنان اندرون نیز توانستند به‌راحتی و خشنودی این صحنه را که کاملاً برایشان تازگی داشت تماشا کنند (سرنا، ۱۳۶۲).

پولاک پزشک خصوصی ناصرالدین شاه نیز در خاطراتش اشاره می‌کند سفرهای شاه به فرنگ سبب‌ساز آشنایی او با آداب غذا خوردن به سبک اروپایی شد. برخی از محققانی که درباره غربی شدن آشپزی ایرانی تحقیقاتی انجام داده‌اند، کلید پذیرش غرب‌گرایی ایران را فرهنگ آشپزی دانسته‌اند (chehabi, 2003).

در واقع تاریخ ترجمه و متون مربوط به ترجمه، هر یک روایاتی خاص از روند تجدد در جامعه ایران را در اختیار می‌گذارند. این امر نشان می‌دهد الگوی فرانسوی تجدد به طرق گوناگون به جامعه ایران راه یافت و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. ورود اندیشه‌ها و الگوهای فرانسوی معابر نفوذ متعددی داشت که عمده‌ترین آنها عبارتند از کتاب‌های تجدد خواهان ایرانی، سیاحتنامه‌ها، دانشجویان اعزامی به فرانسه، روزنامه‌های ایرانی و خارجی، استادان فرانسوی دارالفنون و تالیفات آنها، پزشکان فرانسوی و به‌ویژه پزشکان مخصوص شاهان قاجار، سازمان آلیانس فرانسه، ترجمه آثار فرانسوی به فارسی، مسیونرهای فرانسوی. در نتیجه فعالیت‌های آلیانس و سایر انجمن‌های تبلیغی فرانسه در ایران، زبان فرانسه در این دوره به‌عنوان نخستین زبان خارجی اروپایی در ایران شناخته شد و شاه و دولتمردان در مکاتبات و مراودات خود با سران اروپایی از این زبان استفاده می‌کردند. با رواج زبان فرانسه، ایده‌ها و الگوهای فرانسوی نیز انتشار



پیدا کرد. (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۷).

گفته‌های مترجم در دیباچه طبخی جدید، در باب شیوه ترجمه کتاب، تأثیر شرایط فرهنگی را در ترجمه مذکور نشان می‌دهد. هر نوع داوری درباره کیفیت ترجمه خارج از چارچوب (زمان، مکان و مخاطب) ناموجه است. به‌طور کلی هر ترجمه متعلق به شرایطی خاص است و با معیارهایی برگرفته از همان شرایط سنجیده می‌شود (صلح‌جو، ۱۳۸۴). قدرت فرهنگ گیرنده نیز از عوامل تأثیرگذار دیگر در ترجمه است. هر قدر ادبیات فرهنگ گیرنده و سایر ویژگی‌های آن فرهنگ دارای قدمت، قدرت و جا افتادگی بیشتری باشد، ترجمه محافظه‌کارتر می‌شود (همان).

در واقع هر مکتب آشپزی علاوه بر دستورهای کلی آشپزی، صاحب روح آشپزی خاصی است. به‌طور نمونه یک ایرانی هنگامی که می‌خواهد اسپاگتی درست کند، اسپاگتی‌اش را به اقتضای ذوق و سلیقه خودش تغییر می‌دهد. برخی این ویژگی را به‌نوعی محافظه‌کاری در ذائقه تعبیر کرده‌اند. یعنی برخی به‌جز غذاهایی که در کشور خودشان یا شهر خودشان پخته می‌شود، حاضر نیستند غذاهای دیگر را تجربه کنند و یا بپذیرند (مژده دقیقی، ۱۳۷۷).

این نوع محافظه‌کاری اگر اصطلاح درستی باشد در ترجمه این اثر نیز به‌نوعی مشاهده می‌شود و مترجم با شناختی که از فرهنگ و ذائقه مردم جامعه خود دارد، به ترجمه دست می‌زند. در زمینه دید مردم به غذاهای فرنگی در عصر قاجار در خاطرات اشخاص مطالبی یافت می‌شود. از جمله در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه که در خاطراتش در این زمینه می‌نویسد: «فرستادم از دکان آشپزی که سر میدان تازه باز شده و می‌گویند به سبک فرنگی میز و صندلی دارد ناهار آوردند. شش قران مایه رفته از هرچیز غذا آورد، اما بد بود و نپخته» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵).

کتاب طبخی جدید ذیل این بخش، یعنی آثار فرانسوی قرار دارد که در دوره ناصری و در تداوم فعالیت‌هایی که به امر ناصرالدین‌شاه در ترجمه آثار مختلف به «نهضت ترجمه» موسوم است به زبان فارسی برگردانده و کتابت شده‌است. آن‌چه که امروز به ما رسیده نسخه خطی ترجمه شده این اثر است که رویکرد روشی جدیدی در مطالعات تاریخی و شناسایی معابر نفوذ فرهنگ، تمدن و واژگان غربی به ایران را با استعانت از علوم میان‌رشته‌ای، می‌تواند میسر سازد.

مترجم این کتاب علی‌بخش میرزای قاجار (تولد ۱۲۵۴ ق) فرزند اسکندر میرزا از رجال فرهیخته دوره ناصری، تحصیل کرده دارالفنون و مترجم آثاری از زبان فرانسه به فارسی است. در دوره ولیعهدی مظفرالدین‌شاه، مترجمی وی را عهده‌دار بود. آثارچندی توسط او به فارسی ترجمه شده که تاریخ‌ینگی دنیا، ترجمه کتاب توردوموند، ترجمه کتاب فوبلاس و ترجمه کتاب تشریح الابدان از آن جمله است. در واقع می‌توان علی‌بخش میرزا را نمونه کاملی از تحصیل‌کردگان عصر ناصری دانست که با علوم جدید، در حدی که در ایران آن روزگار رایج بود آشنایی داشت و به‌دلیل شرایط آموزشی و موقعیت شغلی، از وضعیت فرهنگی جامعه کمابیش آگاه بود. علی‌بخش میرزا ذوق شعری نیز داشت و اشعاری از او به‌جا مانده‌است. علاوه بر ترجمه آثار مختلفی هم تألیف کرده است چون میزان‌الملل که در آن به دفاع از دین به شیوه‌ای جدید پرداخته است. وی که بیست سال پیش از مشروطه دست به تألیف این کتاب زده، نگران وضعیت اعتقادی جوانان، تقلید کورکورانه آنان از غرب و رواج عادات و آداب اجتماعی اروپاییان در جامعه اسلامی ایران بود (جعفریان، ۱۳۸۱).

دغدغه‌هایی از این دست، در اثر دیگر علی‌بخش میرزا قاجار یعنی ترجمه کتاب «طبخی جدید» هم به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد علی‌بخش قاجار در ترجمه این کتاب، هنگامی که به حذف شراب و عرق در طبخ غذاها می‌پردازد- و خود



در دیباچه اثر به آن اشاره می‌کند- تأثیر شرایط فرهنگی را باز می‌تاباند. ضمن اینکه این کار علی‌بخش و حذف مواد مذکور نوعی محافظه‌کاری را نشان می‌دهد زیرا علی‌بخش میرزا از ویژگی‌های جامعه و بافت اعتقادی و فرهنگی کشورش آگاه است. برای پذیرش اثر توسط مخاطبان و برای اجتناب از هرگونه انتقاد از سوی گروه‌های سنت‌گرا و به‌ویژه مذهب‌یون، این شیوه را بر می‌گزیند. حذف موادی که در اسلام خوردن آن حرام شده از دستور طبخ کتاب، نمودی از این دغدغه‌هاست. این شیوه عملکرد مترجم، افزون بر آن که سبک ترجمه وی را نشان می‌دهد، حاکی از تأثیر شرایط فرهنگی و بافت اعتقادی جامعه در ترجمه آثار است. موضوعی که یکی از ویژگی‌های اصلی ترجمه‌های دوره ناصری، یعنی ترجمه آزاد را نشان می‌دهد (کیان‌فر، ۱۳۷۵).

«کتاب طبّاحی جدید» آن‌گونه که از گفته‌های مترجم برمی‌آید، به دستور مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه ترجمه شده‌است. در دیباچه این نسخه صد و هشتاد و یک صفحه‌ای این عبارات به چشم می‌خورد:

«... لَهذا در هر علمی خاصه در اینکه محتاج الیه عامه است تا کتابی نوشته نباشد سودش بهمه مردم عاید نگردد و از غرایب اینکه در ایران کتابی در این صنعت شریف نوشته‌اند بعکس در فرنگستان هر طبّاحی را کتابی هست و خالیگران [آشپزان] را هر یک تالیفی. چون محض ترویج علوم و تشویق عموم مردم به تألیف و تصنیف حضرت اقدس ارفع امجد والا ولیعهد دولت ابد مدت ایران مظفرالدین میرزا اصانه‌الله عن الآفات و الحدیثان روحی و روح العالمین فداه باین غلام خان‌زاد علی‌بخش قاجار که در سلک چاک ران آستان سپهر بنیان منسلک و به منصب نبیل پیشخدمتی خاصه حضور مبارک مفتخرم امر و مقرر فرموده که در هر علمی و در هر فنی که در فرنگستان کتاب نوشته از زبان فرانسه به فارسی فصیح ترجمه نمایم تا سایر هموطنانم و همقطاران اطاعتاً لا مره الا علی به‌قدر مقدور از تألیف کتب در هر علمی که می‌دانند تکاهل نورزیده تاکنون بیشتر از سی جلد کتاب ترجمه و تألیف نموده‌ام و امیدوارم که منافع کلی از نشر آنها به هم وطنان عاید آید و نیز به تاریخ سنه هزار و سیصد و دو هجری علی‌هاجرها السلام به ترجمه کتابی از کتاب‌های فرانسه که در طبّاحی نوشته شده بود پرداختم ولی همه اطعمه در فرانسه طبخ می‌شود چون به کار اهل ایران نمی‌خورد ننوشتیم. هر طبّخی که به سلیقه ایرانیان نزدیک و در مذهب اسلام مباح بود نوشتیم و سایر اطعمه آنها را مانند طبخ‌هایی که از گوشت خوک و خرس و سرطان و غیره که ممزوج با شراب و عرق بوده ترک نمودم... سپس اطعمه که در ایران معمول است به الفاظ سهلیه که هر کس درک و فهم تواند نمود شرح دادم تا ارباب سلیقه [ناخوانا] اغذیه فرنگستان و ایران هر یک را میل نموده در نهایت سهولت از روی این کتاب توانند طبخ نموده... و چون جمیع اقسام اطعمه و شیرینی‌ها را اگر می‌خواستیم بنویسم کتاب بسیار مفصلی می‌شد. لَهذا به کلیات آن اکتفا کردم تا خالیگران با سلیقه هرچه از آنها از قلم افتاده و فراموش بدین رساله علاوه نمایند». (علی‌بخش قاجار، ف ۴۹۰).

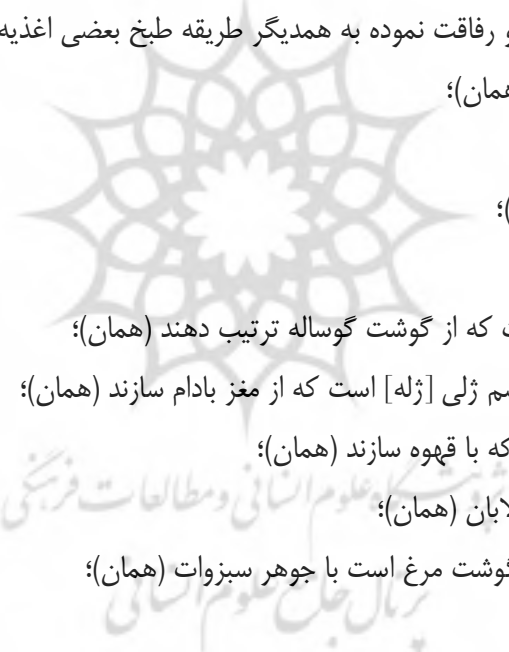
واژه‌های فرانسوی موجود در کتاب آشپزی «طبّاحی جدید» به‌قرار ذیل است:
سل دو متون قاس دوریسول (یعنی شکمبه گوسفند که با ریسول مزین شده باشد)؛
دولمه ریسول عبارت از گوشت پخته شده و قیمه کشیده‌است (همان)؛

دولمه آرتی‌شو الا باریقول یعنی دمبه کنگرک با قارچ (همان)
سس بشامل (همان)؛



دولمه آرتی‌شو باریکول، آرتی‌شو عبارت از کنگر بوستانی است که به فارسی کنگرک و به ترکی آنکه ناز نامند. باریکول عبارت از دنبه گراز است (همان)؛
 طریقه ساختن بود و دولته (همان)؛
 بن‌ماری، عبارت از آب جوشان است. غذای را که می‌خواهند گرم نمایند یا بپزند در ظرف علیحده به میان آب جوشان گذارند تا گرم شود یا بپزند (همان)؛
 طریقه حاضر کردن روغن مطردوطیل (همان)؛
 ساختن پوتاژ به طریقه ژولین (همان)؛
 کلاس دان‌فور یعنی یخ در تنور.

مترجم در مورد یادگیری این خوراکی می‌نویسد: «هنگام اقامت سفیر چین در پاریس، طبخ مشارالیه با طبخ ان کارخانه گراند هتل پاریس اظهار خصوصیت و رفاقت نموده به همدیگر طریقه طبخ بعضی اغذیه را یاد دادند. از آن جمله طبخ یخ در تنور را چینی‌ها به ما آموختند». (همان)؛



پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
 فصل نهم: همایش ملی روش‌های پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی

مارمیلااد هولو [مارمالاد هلو]، (همان)؛
 پوتاژ به طریقه پاریس (همان)؛
 قاندرون دو و والا پولیت: غذایی است که از گوشت گوساله ترتیب دهند (همان)؛
 بلان مانزه اوزاماند: عبارت از یک قسم ژلی [ژله] است که از مغز بادام سازند (همان)؛
 بلان نان ره اوکافه: مانند ژلی است که با قهوه سازند (همان)؛
 ماکارون آن تیمبال: یعنی به‌شکل بالابان (همان)؛
 پوتاژ آلابریس. این آش عبارت از آبگوشت مرغ است با جوهر سبزوات (همان)؛
 پوتاژ الاکریسی (همان: ۱۰۰)؛
 پوتاژ برنج با پوتی رون. پوتی رون قسمی از کدوست (همان)؛
 طریقه ساختن نان شیرینی که به فرانسه قاتو دوپلون نامند (همان)؛
 کروکبت برنج (همان: ۱۶۵)؛

بررسی این نسخه خطی نکات مختلفی را برای پژوهشگرانی که در حوزه تاریخ دوره قاجار، تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران و تاریخ مطالعات ترجمه کار می‌کنند آشکار می‌سازد. تحلیل انتقادی متونی از این دست و بازسازی جهان‌بینی مستتر در آنها امکان دستیابی به ذهن و زبانی نقاد و خود بنیاد (با صبغه بومی) را فراهم می‌سازد (میلانی، ۱۳۸۲) که می‌تواند هدف غائی پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی با درنظر گرفتن اقتضائات فرهنگی هر سرزمین از جمله ایران باشد.



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پیوندهای تنگاتنگ ترجمه و تجدد در عصر قاجاریه، متون ترجمه شده در این عصر هر یک روایتی خاص از روند تجدد در ایران آن روزگار به‌شمار می‌آید. بسیاری از مظاهر تجدد از طریق ترجمه به جامعه ایران راه یافت و تجددطلبان برای انتقال مفاهیم تجدد به ترجمه آن مفاهیم بر اساس شرایط و موقعیت ایران پرداختند.

همان‌گونه که متون در فرایند ترجمه از یک موقعیت به موقعیت دیگر تغییر می‌یابند، نگرش‌ها و نهادها نیز همین ویژگی را پیدا می‌کنند. به همین دلیل زبان متون در ایران سده نوزدهم تغییر کرد و افزون بر گسترش حوزه عمومی، گفتمان متنی زبان کاربردی نیز ساده و عامه فهم گردید. طرح مفاهیم جدید، هم کلمات و تعبیرات تازه‌ای را بر ذخیره واژگان زبان فارسی می‌افزود و هم مفاهیم واژگان در ترکیبات کهن را دستخوش تحول و دگرگونی می‌کرد. تأسیس دارالترجمه ناصری و نهادینه شدن امر ترجمه در انتقال مفاهیم نو و تنوع حوزه آن، نقشی کارساز داشت. با این همه فقدان مفاهیم جدید و بسترهای مربوط به آن در زبان و تاریخ امروزی سبب شد که ناقلان این مفاهیم بر اساس برداشت و شناخت تاریخی و فرهنگی خود آنها را تغییر داده و به‌منظور کاستن از بیگانگی مفاهیم نو و ارائه تصویری آشنا از آن به تطبیق و همانندسازی آن با مبانی فکری موجود در جامعه دست زنند. امری که جز با بهره گرفتن از پژوهش‌های روش‌مند و غور و بررسی در متون خطی، به نتایج مطلوب منجر نخواهد شد. بنابراین شیوه‌های صورت‌بندی مفاهیم جدید و تولید گزاره‌های تجدد در عهد ناصری با استفاده از ترجمه، هم‌نشینی گزاره‌های سنتی و مدرن، تطبیق گزاره‌های سنتی و مدرن و در مواردی تقریب گزاره‌های نو به معانی موجود در فرهنگ خودی را در پی داشت و موجب تکوین آن گردید.

به‌عبارتی دقیق‌تر می‌توان دریافت در رویارویی ایران سده نوزده با تمدن غرب و اقتباس از الگوهای غربی، در فرایند تجددگرایی پاره‌ای از آداب و رسوم، عادت‌های رفتاری راه یافت که از آن جمله باید آداب و عادات رفتاری خوراک و آشپزی را نام برد. حصول به این‌گونه نتایج و فهم صحیح از زمانه و زندگی اجتماعی، فرهنگی و پدیده‌هایی که در سپهر زیست ایرانیان دوره قاجار به وقوع پیوسته است، از رهگذر استفاده از منابع و مطالعه آنها میسر است. در این بین، مطالعه، بررسی و تحلیل برآمده از محتوای ترجمه‌های نسخ خطی، به عنوان رویکرد روشی جدید ذیل ظرفیتی میان‌رشته‌ای از دانش‌های کاربردی در رشته تاریخ، افقی نو پیش روی پژوهشگران و محققان رشته تاریخ قرار خواهد داد.



منابع

- ✓ اعتماد السلطنه، محمدحسن، ۱۳۸۵، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۹.
- ✓ جعفریان، رسول، پیشینه غرب‌زدگی و راه‌های مقابله با آن در دوره قاجار، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، خرداد ۱۳۸۱، تهران، انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، ۱۵۸.
- ✓ دقیقی، مؤده، گفتگو با نجف دریابندری درباره کتاب مستطاب آشپزی، ماهنامه زنان، شماره چهل و هشت، سال ۱۳۷۷، ۲.
- ✓ سرنا، کارلا، ۱۳۶۲، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، سفرنامه کارلا سرنا. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران، انتشارات زوار، ۶۳-۶۲.
- ✓ صلح‌جو، علی، ۱۳۸۴، ترجمه و شرایط فرهنگی، فصلنامه علمی- فرهنگی مترجم، دوره چهاردهم، شماره ۴۲، ۱۳۸۴، ۷-۵.
- ✓ عزیزاده بیرجندی، زهرا، ۱۳۸۷، ناصرالدین شاه و گفتمان تجدد، رساله دکتری، دانشگاه الزهراء، ۷۳.
- ✓ قاجار، علی‌بخش. طبخ‌های جدید، نسخه خطی شماره: ف ۴۹، مخطوطات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۶۵-۱۷-۱۸-۲۲-۲۳-۳۰-۳۱-۳۳-۳۴-۳۷-۳۸-۵۱-۵۳-۶۸-۷۳-۷۵-۹۳-۹۷-۱۰۰-۱۱۶-۱۴۴-۱۶۵.
- ✓ قاجار، ناصرالدین، ۱۳۸۷، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضی‌ها، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۴۶-۲۵۳.
- ✓ کیان‌فر، جمشید، ۱۳۷۵، ترجمه گذرگاه انتقال فرهنگ غرب به ایران، کتاب سروش، مجموعه مقالات رویارویی فرهنگی ایران و غرب دوره معاصر، تهران، انتشارات سروش، ۷۴.
- ✓ معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۶۱، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۵.
- ✓ میلانی، عباس، ۱۳۸۲، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران، انتشارات اختران، ۱۲.
- ✓ Chehabi, h. (2003). "The westernization of iran culinary culture". Iranin studies. vol 39. n ۱. march .pp ۴۳-۶۱.
- ✓ Mahdavi. Shireen. (2005). "shahs, doctors, diplomats and missionaries in 19th century iran". british journal of middle eastern studies, vol. 32, issue 2. pp 169-1۹۱.
- ✓ Ringer, Monica M. (2001) education, religious, and discourse of cultural reform in qajar iron.- California: Mazda publisher